روند اقتصادی در کشورهای در حال توسعه

وقتی آخرین فصل تاریخچه اقتصادی قرن بیستم به رشته تحریر درآید،احتمالا راجع به یکپارچگی جهانی شدن اقتصاد خواهد بود،یعنی فرآیندی که هم کشورهای‏ در حال توسعه و هم کشورهای صنعتی از آن نفع می‏برند

در طول دهه گذشته،کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی با استفاده‏ از جریانهای تجاری و مالی روابط جدیدی‏ با یکدیگر ایجاد کردند.حرکت یکپارچه‏ کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی و سایر روندهای امیدوار کننده‏ای‏ که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه‏ رعایت شده-مانند رشد قوی،موفقیت در کاهش فقر،و بهبود استانداردهای‏ زندگی-در این مقاله مورد بررسی قرار می‏ گیرد.به‏طور کلی،چشم‏انداز این کشورها روشن است،اگرچه موانع بسیاری در پیش رو دارند:اصلاحات اقتصادی هنوز تکمیل نشده،میلیاردها انسان در فقر شدید به سر می‏برند،و تقاضای فزاینده‏ انرژی،محیط زیست را تهدید می‏کند.

یکپارچگی اقتصادی

از سال 1950،سرعت رشد تجارت‏ جهانی بیشتر از تولید بوده است.در پی‏ رکود دهه‏های 1970 و 1980،تجارت‏ در دهه 1990 رونق گرفت که رشد سریع‏ صادررات کشورهای آسیای شرقی دلیل‏ اصلی آن بوده است.نمودار(1)

رشد تجارت خدمات نسبت به‏ تجارت کالا بیشتر بود و سهم آن‏ از 15 درصد صادرات جهانی در سال 1980 به 18 درصد در سال 1995 رسید.رشد چمشگیر تجارت بین المللی در نتیجه‏ آزادسازی بازارهای جهانی،پیشرفت‏ مذاکرات دوراروگوئه و سایر قراردادهای‏ چند جانبه در طول چند دهه گذشته بوده‏ است.در این میان،تعرفه‏ها رو به کاهش‏ بوده و شاید مهم‏تر از همه اینکه موانع غیر تعرفه‏ای در حال از بین رفتن است.

در برخی از کشورهای در حال توسعه، آزادسازی تجاری با یکپارچگی سریع‏ مالی همراه بوده است،بویژه آنکه‏ سرمایه‏گذاریهای خارجی،مخصوصا سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی افزایش‏ داشته است.اگرچه این داستان هم اینک‏ آشناست،ولی آمار هنوز شگفت‏انگیز است.در سال 1990،سرمایه‏گذاری‏ مستقیم خارجی در کشورهای در حال‏ توسعه 2/24 میلیارد دلار بود،تا سال‏ 1995 این رقم تقریبا 4 برابر شده بود و به‏ 8/91 میلیارد دلار رسید.

تحولات تکنولوژی،هم از طریق‏ کاهش هزینه اطلاعات و هم با افزایش‏ سرعت انتقال اطلاعات،موجب تسریع در یکپارچگی اقتصادی شده است.ایجاد بازارهای مالی شبانه‏روزی جهانی، شرکتهایی که شبکه‏های فروشندگان‏ جهانی و نماینده‏های آنان را معرفی‏ می‏کند،و صنایع خدماتی جدید که‏ کالاهایشان را به‏طور الکترونیکی ارائه‏ می‏دهند،همگی به واسطه مخابرات‏ نوین امکانپذیر شده‏اند.با این حال، عرضه و تقاضا در بخش ارتباطات‏ وابستگی شدیدی به درآمد دارد.سرعت‏ افزایش خطوط تلفن با تولید ناخالص‏ ملی سرانه ارتباط دارد(نمودار 2)،و تعداد استفاده‏کنندگان از شبکه اینترنت در اروپای غربی و آمریکای شمالی در بالاترین حد است.

روندهای اقتصادی

برخی از روندهای اقتصادی برای‏ جهان در حال توسعه ایجاد شده‏اند:برای‏ مثال،اهمیت کشاورزی همچنان رو به‏ کاهش می‏رود،درحالی‏که سهم صادرات‏ مصنوعات برحسب تولید ناخالص داخلی‏ نمودار یک‏ نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی 95-1985 رو به افزایش است.

زود رشدترین بخش-هم از لحاظ درآمد بالا،و هم در کشورهای در حال‏ توسعه-بخش خدمات است.

در کشورهایی که درهای خود رابه‏ روی تجارت جهانی باز کرده‏اند،از سرمایه‏گذاری خصوصی استقبال‏ نموده‏اند،به ثباط اقتصاد کلان دست پیدا کرده‏اند،و برای تشویق و گسترش‏ اصلاحات ساختاری سیستم انگیزشی‏ قیمتها و مالیاتها را ایجاد نموده‏اند،رشد بسیار چشمگیر بوده است.

در طول سالهای 1990 تا 1995، تولید ناخالص داخلی کشورهای در حال‏ توسعه به‏طور متوسط سالانه 1/3 درصد بود،میانگین نرخ رشد سالانه در آسیای‏ شرقی به 3/10 درصد و در جنوب آسیا 6/4 درصد می‏رسید،درحالی‏که این رقم در کشورهایی که بالاترین درآمد را داشتند تنها 3/2 درصد بود.

شماری از کشورهای در حال توسعه‏ به صورت غولهای بالقوه درآمده‏اند.در سال 1995،10 کشور بزرگ یعنی‏ آرژانتین،برزیل،چین،هندوستان، اندونزی،مکزیک،پاکستان،روسیه، تایلند و ترکیه-59 درصد از تولید ناخالص داخلی و 44 درصد از صادرات‏ کشورهای در حال توسعه،و همچنین‏ 11 درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی‏ را در اختیار داشتند.در مقابل،کشورهای‏ جنوب صحرای آفریقا 4/10 از جمعیت‏ دنیا،ولی تنها 1/1 درصد از تولید ناخالص‏ داخلی جهان را در اختیار دارند.

شواهدی مبنی بر تغییر موازنه میان‏ بخشهای عمومی و خصوصی در سرتاسر جهان دیده می‏شود-در بسیاری از کشورهای آسیایی،کسری مالی کاهش‏ یافته،درحالی‏که نسبت سرمایه‏گذاری‏ به تولید ناخالص داخلی رو به افزایش‏ بوده است.(نمودار 3)

در این میان،اندازه بخش عمومی با توجه به نسبت هزینه‏های دولت مرکزی‏ به تولید ناخالص داخلی،بویژه در آسیا و آمریکای لاتین،افزایش یافته است.

معهذا،دیوانسالاران هنر به تجارت‏ می‏پردازند.به رغم گذشت بیش از یک‏ دهه از فروش واحدهای دولتی،هنوز این‏ واحدها در وضعیت نامناسبی به سر می‏برند.در واقع،حضور آنها تنها در کشورهای سوسیالیستی پیشین و چند نمودار 2 خطوط تلفن و سرانه تولید ناخالص ملی 95-1994

 نمودار 3 سرمایه‏گذاری ناخالص داخلی به صورت بخشی از تولید ناخالص داخلی

 نمودار 4 افزایش انتشار گاز دی اکسید کربن در کشورهای در حال توسعه کشور با درآمد متوسط با کاهش شدید همراه بوده است.

شاخصهای اجتماعی

اگر رشد اقتصادی به افزایش رفاه‏ و بهزیستی انسان نینجامد،مفهوم‏ چندانی ندارد.البته دلایلی برای‏ خوشبینی وجود دارد.برای مثال‏ شاخصهای اجتماعی در برخی مناطق‏ بهبود یافته است.میانگین نرخ مرگ‏ومیر نوزادان در کشورهای با درآمد پایین‏ نوزادان در کشورهای با درآمد پایین‏ و متوسط،از 105 نفر در سال 1995 کاهش یافت.ولی این نرخهای میانگین، برخی نابرابریها را پنهان می‏کند.برای‏ مثال،تعداد مرگ ومیر نوزادان در هر هزار تولید در جنوب صحرای و جنوب آسیا به‏ ترتیب 90 نفر و 70 نفر است.ثبت نام در مدارس ابتدایی برخی از کشورهای‏ آفریقایی کاهش داشته است،و به طور کلی نرخ ثبت نام دختران بسیار کمتر از پسران است.اگرچه بسیاری از کشورهای‏ در حال توسعه در زمینه کاهش فقر موفق‏ بوده‏اند،ولی بیش از 3/1 میلیارد نفر هنوز با روزی کمتر از یک دلار امرار معاش‏ می‏کنند،و وضع دو میلیارد نفر بقیه اندکی‏ بهتر است.

محیط زیست

مردم برای رفاه خود به محیط زیست‏ متکی هستند،و رفاه محیط زیست به‏ مردمی وابسته است که در آن زندگی و کار می‏کنند.اگر رشد به بهای از بین رفتن‏ محیط زیست یا سلامت جمعیت یک‏ کشور ایجاد شود،بعید است که پایدار بماند.جنگلزدایی،نابودی ذخایر آب، و آلودگی هوا روی کیفیت زندگی و بهره‏وری‏ اقتصاد تاثیر می‏گذارد.اگرچه توسعه‏ اقتصادی اغلب دلیل اصلی تخریب‏ محیط زیست تلقی می‏شود،ولی حقیقت‏ اینست که تنها با توسعه اقتصادی سریع‏ و درک بهتر شیوه‏هایی که در آنها فعالیت‏ اقتصادی بر محیط زیست اثر دارند می‏توان مشکلات محیطی را حل کرد.در سالهای اخیر،علائمی حاکی از پیشرفت‏ دیده شده است.سرانه انتشار دی‏اکسید کربن در کشورهای با درآمد بالا کاهش‏ یافته(نمودار 4)وکارایی در استفاده از انرژی بیشتر شده است.ولی هنوز، کارهای زیادی باید انجام شود.برای‏ مثال،اگر در جریان توسعه،کشورهای با درآمد پایین و متوسط،مصرف انرژی را افزایش دهند تا به سطح کشورهای با درآمد بالا برسند،پیامدهای عظیم‏ اقتصادی و محیطی در پی‏خواهد داشت.

منبع:

نشریه Finance Development مارس 1997